

نوشته : دکتر جعفر بوشهری

## رویه‌های قضائی

تحقیق درآراء قضائی و دسترسی به وجدان حقوقی و اجتماعی دیگران در زمان ما جنبه تفننی سابق خود را از دست داده و از جمله واجبات و ضرورات گشته است . زیرا سرعت انتشار حوادث و اتفاقات و راه‌حلهای قضائی که برای مقابله با آنها اتخاذ میگردد احساس مشترک درجوامع مختلف بوجود میآورد که صاحب‌نظران مسائل حقوقی نمیتوانند اثرات و سوابق آنها را در تصمیمات خود نادیده بگیرند و نسبت با آنها بی تفاوت بمانند .

علاوه براین ، نشو و نما و تکامل قوانین و همچنین سایر منابع حقوق را باید در رویه‌های قضائی جستجو کرد . رویه قضائی به کالبد حقوق روح میدهد ، ترازوییست برای سنجش عدالت و انصاف و انعکاسی است از اخلاق و روحیات و درجه مدنیت اقوام و ملل . احکام محاکم درعین حال که از آداب و رسوم و سنن اجتماع متأثر است به نوبه خود در سیر و حرکت و تحولات فکری جامعه اثر میگذارد ، مسیر کلی فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی و سیاسی را مشخص میسازد و برای درمان ابتلاآت و دردهای جامعه نسخه میدهد .

بنابراین فوق چنین بنظر رسید که بعضی دعاوی و قضایائی که در سایر کشورها مورد رسیدگی و حکم قرار گرفته و استناد به قوانین نوشته در آنها کمتر بعمل آمده و توجه به منطق حقوقی در آنها بیشتر بوده یا بعنوان ملاک استنباط سورد استشهاد واقع شده و یا زاویه تاریخی از یک شک حقوقی در آنها روشن گشته ، گردآوری و تلخیص و ترجمه شود ، باشد که در راه هدفهاییکه مجله حاضر در تعقیب آنها است قدسی ولو اولیه و ابتدائی بشمار آید .

## مسئولیت مدنی مجنون<sup>۱</sup>

مرجع رسیدگی : دادگاه استان .

محل : ایالت جورجیا از ایالات متحده آمریکای شمالی

سال : ۱۹۲۵

بانوئی بنام «ب» مبتلا به بیماری صرع مقارن بایکی از حمله های صرعی از خانم «الف» که از سابقه بیماری بانوی مزبور بکلی بی اطلاع بوده استمداد جسته و بمجرد ورود به خانه وی نشسته و اظهار داشته است که قریباً بحال اغماء و بیهوشی خواهد افتاد . خانم «الف» بلادرنگ بیمار را به اطاق خواب رسانیده او را روی تخت خوابانیده که ناگهان بیمار از جا برخاسته و بدون هیچ علتی گلوی او را گرفته و فشار داده و بحال خفگی انداخته و مجروحش ساخته و سپس او را به پله ها کشانیده و از چند پله به پائین پرتابش کرده و بشدت مصدوم و مضروبش نموده و چون باردار بوده جنینش نیز سقط و جراحی و خیمی را تحمل کرده است . دعوی حاضر برای وصول هزینه بیمارستان و حق الزحمه طبیب و پرستار و خسارات ناشی از ناتوانی از انجام کار بمدت طولانی اقامه شده است .

## رای دادگاه استان

دادگاه پس از ذکر آراء متعددی از دیوانهای عالی و محاکم دیگر درموارد مشابه و استناد به استدلال آنان چنین حکم میکند . قاعده کلی مستنبط از آراء فوق آنستکه مجنون اگرچه از مسئولیت جزائی مصون و از مجازات معاف است لیکن مانند اشخاص عاقل عواقب مالی اعمال خود را باید تحمل کند . زیرا از دو تن بی گناه که یکی واردکننده خسارت ولی مجنون بوده و دیگری که خسارت به وی وارد گشته

1- Sauer v. Sack, Court of Appeals of Georgia, 1925, 34 Ga. APP748,

آنکس که حادثه را بوجود آورده یعنی مجنون برای تحمل خسارت مناسبتر است . استثناء وارد بر اصل فوق جرائمی است که سوء نیت و در نتیجه قصد در آنها عنصر اصلی و اساسی است مانند توهین و افترا . در غیر موارد اخیر عامل باید خسارات را جبران کند اگرچه قصد نداشته یا آنرا در نهایت حسن نیت انجام داده باشد . متضرر صرفنظر از حال مرتکب اعم از سلامتی و جنون و داشتن قصد یا فقدان آن مستحق مدد است و باید او را به حال قبل از حادثه بازگرداند .

ترتیب فوق بلحاظ حقوق جامعه نیز متضمن این حکمت است که خویشان و ورثه و کسانی که بنحوی از انحاء در اموال مجنون ذینفع میباشند در حفظ او و جلوگیری از وی در وارد نمودن خسارت بد دیگران اقدام نمایند و ضمناً سوجهی برای تشویق افراد به ایراد خسارت و تظاهر به جنون بوجود نیاید .

مجنون باید از عهده خسارات ناشی از اعمال خود برآید و همانگونه که سایر مصائب و تیره بختیهای خود را تحمل میکند آنها را نیز بر خود هموار سازد . دیگران را نمیتوان به کشیدن چنان باری مجبور نمود .

### دعوائی علیه پزشک<sup>۱</sup>

مرجع رسیدگی : دیوان عالی تمیز .

محل : ایالت اورگن از ایالات متحده آمریکای شمالی .

سال : ۱۹۲۷

مدعی علیه ، پزشکی است دارای پروانه رسمی طبابت ، جراح و متخصص چشم و گوش و حلق و بینی . مدعی ، بانوئی است که برای معالجه بینی خود به مدعی علیه مراجعه کرده است . پزشک مزبور پس از معاینات لازم بوی اعلام کرده که قسمت

1- Hively v. Higgs, Supreme Court of Oregon, 1927, 120 Ore. 588, 253

Pac. 363, 53 A. L. R. 1052.

درونی بینی وی محتاج جراحی است . بیمار با جراحی موافقت نموده و هنگامیکه بیهوش و روی تخت عمل قرار گرفته پزشک مذکور با تأمل بیشتر بیماری را ناشی از لوزه بیمار تشخیص و همانرا جراحی و خارج ساخته است لیکن درد و ناراحتی و التهاب شدیدی پس از زوال بیهوشی عارض بیمار گردیده که بعداً ادامه یافته و امیدى به بهبودى هم نیست . دعوى حاضر برای وصول مبلغ . . . . دلار (قریب . . . . ۷۵ ریال) بسبب جراحی ناصحیح از پزشک جراح مطالبه شده است .

### رای دیوان عالی تمیز

دلایلی که در این پرونده در مورد اجازه بیمار برای جراحی لوزه ملاحظه میشود متناقض است ، معدلک نظر به اینکه محکمه تالی بنفع بیمار رای داده و موضوع نیز امری ماهوی است در این مرحله مورد توجه قرار نمیگیرد .

این دعوا از آنگونه دعاوی نیست که هنگام عمل جراحی که بیمار موافقت قبلی خود را با آن اعلام داشته ناگهان جراحی دیگری ناشی و متشعب از آن ضرورت پیدا کرده باشد و همچنین پزشک ادعا نکرده است که برای نجات جان بیمار ناگزیر از جراحی مزبور بوده ، دعوائی هم نیست که بیمار موافقت خود را بطور کلی و عام ابراز نموده و مابقی را به قضاوت و تشخیص پزشک واگذار کرده باشد . نه در عرض حال و نه در هیچیک از مراحل دادرسی ادعا نشده است که پزشک مذکور در جراحی که انجام داده مهارت نداشته بلکه اساس مرافعه آنستکه بدون اذن و اجازه بیمار بعمل سبادت ورزیده است .

نظر به اینکه پزشک مدعی علیه از عهد و قراری که با بیمار خود داشته عدول کرده و عضوی را از بدن بیمار بدون رضای وی خارج ساخته و درد ورنجی مداوم برایش بوجود آورده مسئول تأدیه مبلغی است که دادگاه بدوی رسیدگی و مورد رای قرار داده است .

## قرارداد غیرقانونی<sup>۱</sup>

مرجع رسیدگی : دادگاه استیناف .

محل : ایالت کنتوکی از ایالات متحده آمریکای شمالی .

سال : ۱۸۹۶

پژوهشخواهان ، طرف دعوای بانوئی واقع وبسبب اغوای وی به سقط جنین در مرحله بدوی به پرداخت مبلغ ۱۷۰۰ دلار (قریب ۱۲۷۵۰۰ ریال) محکوم میشوند

### رای دادگاه استیناف

حمل مربوط به هیچیک از دو نفر پژوهشخواه نبوده لیکن آنان بوی تلقین کرده اند که تنها راه استخلاص از مشکلی که با آن مواجه گردیده مراجعه به طبیب وسقط جنین است . محتملاً بوی کمک مالی نیز نموده و شاید طبیب را هم همین اشخاص انتخاب کرده باشند لیکن اوراق پرونده مستقیماً حکایتی ندارد وبه صرف استنباط دادگاه بدوی مراتب مسلم فرض شده واین دادگاه نیز آنها را حقیقت تلقی میکند .

سؤالی که اکنون در برابر ما است وحکم قضیه تابع آن میباشد اینستکه آیا بانوی مدعی به فرض صحت مراتب، مستحق مطالبه ودریافت خسارت خواهد بود یا نه ؟ اصل کلی آنستکه هرگاه مدعی خود نیز بنحوی از انحاء در ایجاد خسارت مداخله و مشارکت کرده باشد دعوی وی محکوم به رد است . چنانکه دادرس دانشمندی در دعوائی مشابه چنین حکم کرده است<sup>۲</sup> .

1- Goldnamer v O Brien, Court of Appeals of Kentucky, 1896, 98 Ky., 569, 33 S. W. Ss. 373

2- Bishop on Non - Control Law, Section 57; Cline & Co. v. Templeton, 78 Ky. , 550.

« زنی که در برابر کسیکه او را گمراه کرده تسلیم میشود حق اقامه دعوا و مطالبه خسارت ندارد زیرا به آنچه که امروز معترض میباشد قبلاً رضایت داده و در ارتکاب آن شرکت کرده است. هتک ناموس از وخیم ترین و خطرناکترین تجاوزها محسوب میشود معذکک اگر زن به آن رضایت داده باشد نه هتک ناموس خواهد بود و نه تجاوز ». .

از جمله مختصات هر تراضی و توافق خلاف قانون آنستکه نه تنها کان لم یکن و سلغی الاثر میباشد بلکه برای هیچیک از طرفین حقی در اقامه دعوا علیه دیگری ایجاد نمیکند زیرا هیچکس نمیتواند به آنچه خود رضایت داده اعتراض نماید.

حقوقدان متبحری<sup>۱</sup> در کتاب خود تحت عنوان شبه جرم چنین میگوید: رضای قبلی زیان دیده در مسئولیت مدنی در حکم رضای بعد از وقوع خسارت و مانند سنگریست محکم و سپری جاسع که مدعی علیه در پناه آن از تعرض مصون و از پرداخت خسارت معاف است. هیچکس نمیتواند از مزاحمت کارخانه ای در همسایگی خود مطالبه خسارت کند اگر با احداث آن موافقت کرده یا تأسیس آنرا تشویق نموده باشد.

علی ایحال اگر مدعی علیه خطائی جز آنچه که قبلاً مدعی آنرا خواسته و تقاضا کرده و طرفین بر آن توافق کرده اند مرتکب نشده باشد معذکک به پرداخت خسارت محکوم گردد مفهوم بودی چنان حکمی اجازه بهره برداری غیر منصفانه و غیر عادلانه به متخلف دیگر همان قرارداد خواهد بود.

نظر به اینکه حکم دادگاه بدون توجه به این حقیقت که « هرگاه بانوی مزبور بارضای خاطر نزد طبیب رفته و هیچگونه اجبار و اکراهی در میان نبوده مدعی علیهم مسئولیت مدنی در برابر وی نخواهند داشت » صادر گردیده حکم نقض و . . . . .

1- Mr. Cooley, in his Work on Torts (page 163).

## آزار معنوی و روحی<sup>۱</sup>

مرجع رسیدگی : دیوان عالی تمیز.

محل : واشنگتن .

سال : ۱۹۲۶

فرجام خواه مالک آپارتمانی میباشد که فرجام خواسته مدت یکسال در آن اقامت داشته و روزی که میخواست از آن نقل مکان کند ناگهان با هفت تیر صاحب آپارتمان مواجه گردیده که وی ومباشران انتقال ائانه واسباب را بمرگ تهدید کرده ومانع خروج ائانه واسباب شده وحتى برای چند لحظه هفت تیر را بسوی مستأجر نشانه گیری کرده است. فرجام خواه در مراحل قبلی به داشتن هفت تیر اعتراف نموده لیکن منکر تهدید و نشانه گیری بطرف مستأجر گردیده و ادعا کرده است که چون مستأجر از پرداخت اجاره بها استنکاف داشته از خروج ائانه وی تانأدیه دین جلوگیری کرده و اضافه نموده است که مستأجر ادعا واثبات نکرده که هفت تیر پر بوده ولذا عنصر اصلی تجاوز یعنی پر بودن هفت تیر در دعوی حاضر موجود نبوده است. صاحب آپارتمان در مرحله بدوی به پرداخت مبلغ ۷۰۰ دلار (قریب ۵۶۲۰۰ ریال) بعنوان خسارات ناشی از تجاوز محکوم گردیده و از حکم مزبور تقاضای رسیدگی فرجاسی نموده است.

## رأی دیوان عالی تمیز

در دعوی مشابهی<sup>۲</sup> دیوان چنین اظهار نظر کرده است : « یکی از هدفهای عمده هرقانون وقرار وحکمی آنستکه در افراد جامعه این احساس را بوجود آورد که در برابر هر حمله وتجاوز وتعرضی مصون میباشدند. بدون چنان اسنیت خاطری غالب

1- Allen v Hannaford, Supreme Court of Washington, 1926. 138 Wash. 423, 244 Pac. 700.

2- Beach v Hancock, 27 N. H. 223.

بنیادهای زندگانی اجتماعی ارزش خود را از دست خواهد داد. لذا هر یک از ما از این حق برخورداریم که بدون ترس و هراسی از تجاوز دیگران در جامعه زندگانی کنیم. لیکن ترس و هراسی که از آن شکایت میکنیم باید سوجه و معقول باشد. وقتیکه شخص در برابر هفت تیر دیگری قرار میگیرد و مورد تهدید واقع میشود و دلیلی برخالی بودن هفت تیر در دست ندارد و احتمال میدهد که هر لحظه ممکنست به قتل برسد چنان هراسی غیر معقول و غیر سوجه نیست».

در حکم دیگری<sup>۱</sup> چنین گفته شده است: «در تشخیص اینکه تجاوزی تحقق یافته یا نه باید به اثری که اقدام تجاوزآمیز در ذهن و روح شاکی بجای گذاشته توجه داشت نه به قصد پنهانی متجاوز» لذا بفرض اینکه هفت تیر خالی بوده چون تأثیری در وحشتی که شاکی تحمل کرده است نداشته قابل ترتیب اثر نمیشد. و اما خساراتی که شخص از تجاوز دیگران تحمل میکند لزوماً مادی و جسمانی نیست و حتی ممکنست موجب کسر حیثیت و شئون و اعتبارات او هم نباشد لیکن همین مقدار که رنج و آزار روحی براو هموار گردیده مستحق دریافت خسارت خواهد بود.

در دعوی حاضر دلائلی حاکی از تأثیر فوری و مستقیم و بلاواسطه نشانه گیری و تهدید به تیراندازی از طرف صاحب خانه به مستأجر وجود دارد که در نتیجه موجبات تشنج و ترس و هراس مستأجر فراهم گردیده است علیهذا حکم سمیزعنه ابرام میگردد.

1- Howell v Winters, 58 Wash. 436, 108 Pac. 1077.